

نهضت «مشروطیت» شاهد ظهور و سقوط ۳ مجلس، ۳ پادشاه و حدود ۳۰۰ کُودت بود.
اگر چه این نهضت به سلسله ۱۳۰ ساله قاجار و حکومت مستبدانه آنها خاتمه بخشیده، ولی موفق به جلوگیری از دخالت‌های روسیه و انگلیس در ایران نشد. از این رو شناخت سیاست و اهداف بیگانگان در انقلاب مشروطه اهمیت زیادی دارد زیرا در این مقطع حساس تاریخ معاصر ایران، دخالت و نفوذ کشورهای خارجی، روند انقلاب را تغییر داد به نحوی که شاید بتوان چنین متصور شد اگر دخالت بیگانگان در انقلاب مشروطه وجود نداشت، سرنوشت این انقلاب نیز تغییر می‌کرد. از این رو در بحث حاضر نگاهی اجمالی بر سیاست‌ها، اهداف و عملکرد ۲ قدرت روسیه و انگلیس در ایران خواهیم داشت.

- روسیه و انقلاب مشروطه**

روسیه یکی از بزرگ‌ترین بازیگران صحنه سیاسی ایران در انقلاب مشروطه به شمار می‌آید. این کشور که همواره می‌کوشید به آب‌های گرم خلیج‌فارس دست یابد، ایران را منطقه‌ای جهت استثمار اقتصادی با امکانات «سوق الجیشی» می‌پنداشت و سعی داشت از طریق آن علیه منافع بریتانیا در هند اعمال فشار کند، بنابراین ایران باید از یک سو مستقل باقی می‌ماند و از سوی دیگر تحت تسلط روس‌ها قرار می‌گرفت. از این رو انقلاب مشروطه که طغیانی علیه این سیاست و حرکتی به سوی حکومت ملی دموکراتیک محسوب می‌شد، منافع روس‌ها را در ایران تهدید کرد. به همین سبب دولت روسیه به پشتیبانی از مستبدان و مخالفان مشروطه‌خواهی برخاست. پشتیبانی از بازگشت «محمدعلی شاه» و اعلان اولیتاموم به ایران جهت اخراج «مورگان شوستر»، مخالفت آشکار با اصلاحات مشروطه‌خواهان و ایجاد اختلال و ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی، نمونه‌هایی از مخالفت‌های روس‌ها با انقلاب مشروطه است. به‌رغم دخالت‌های آشکار و پنهان روسیه در ایران، نباید از یاد برد انقلابیون ایران در آغاز از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه الهام‌های زیادی گرفتند و به تبعیت از حرکت‌های آزادی‌خواهانه در روسیه، روحانیون پیشاپیش مردم ناراضیانی خود را از حکومت شاه و صدراعظم وقت به توبه بستاند. تاجر که از تعرفه‌های جدید گمرکی سخت ناراضی بودند، به جنب و جوش آمد و علیه موسیو «نوز» بلژیکی و همکارش «پریم» که همدست پنهانی روس‌ها بودند، تظاهرات وسیعی به راه انداختند و بازارها نیز تعطیل شد. نوز که سخت متمایل به سیاست روس‌ها بود، با تعرفه گمرکی جدید خود، بازارهای ایران را برای کالاهای روس گشود و اندک موقتتی که در ایران بود به حال احتضار افتاد. از دیگر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب مشروطه، اطلاع‌یام‌های چندملی‌پولی روسیه به ایران بود که دومین وام، ایران را به کلی به صورت مستعمره اقتصادی روس درآورد و اداره گمرک‌های ایران به استثنای گمرک‌های فارس و بندار خلیج‌فارس به روسیه داده شد. خبر وام‌های بی در پی و سفرهای پرهزینه «مظفرالدین‌شاه» که فرنگستان در حالی که مردم در فقر و محنت به سر می‌بردند، موجب شدت‌گیری اعتراض‌های عمومی شد. بدین ترتیب اعمال و اقدامات روس‌ها در ایران از یک سو وابستگی دربار ایران به روسیه، از سوی دیگر همراه با زبان‌های اجتماعی ناشی از واگذاری امتیازات اقتصادی قاجار به قدرت‌های استعماری، دامنه نارضایتی عمومی را افزایش داد و روسیه را به طرح اقدامات نوینی علیه انقلابیون واداشت. همچنین اعلام روس‌ها که ایران را به عنوان جزئی از خاک روسیه مورد ارزیابی قرار می‌دادند، حکایت از به خطر افتادن منافع روس‌ها با وقوع انقلاب مشروطه داشت. از این رو روس‌ها به پشتیبانی از بازگشت «محمدعلی‌شاه»، اعلان اولیتاموم جهت اخراج «مورگان شوستر»، مخالفت آشکار با اصلاحات مشروطه‌خواهان، ایجاد اختلال، ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی اقدام کردند.<sup>(۱)</sup>

در نهایت نیز سرهنگ «لیاخوف» فرمانده نظامیان روس که از سوی محمدعلی‌شاه به حکومت نظامی تهران منصوب شده بود و عملاً تهران را به تصرف نظامیان «فزاق» تحت فرماندهی افسران روس درآورده بود، دوم تیرماه ۱۲۸۷ هجری خورشیدی/ ۲۳ ژوئن



نقش قدرت‌های خارجی در انقلاب مشروطه

# دشمن در خانه

- شعبی بهمین**

در واقع تسلط بر ایران موجب استمرار تسلط بر هند و دور نگه داشتن روسیه از اراضی مستعمره بریتانیا بود. به همین دلیل انگلیس نیز خواهان ایرانی ضعیف و نیمه‌مستقل بود. تلاش برای تجزیه افغانستان از ایران، تغییرات مکرر در خطوط مرزی ایران در شرق، حمایت از خوانین محلی، تسلط بی‌قید و شرط بر خلیج‌فارس، کسب امتیازات انحصاری نظیر «کشتیرانی»، «تأمین بانک شاهنشاهی»، «تلگراف»، «کابیتولاسیون» و… از جمله اقدامات استعمارگرانه انگلیس در ایران بود.

با این حال در جریان انقلاب مشروطه، روسیه از موقعیت بهتری در ایران برخوردار بود. به همین سبب تلاوم وضع موجود با منافع انگلیس همخوانی نداشت. از این رو انگلیس کوشید با تظاهر به حمایت از مشروطه‌خواهان، آتش انقلاب را در ایران شعله‌ور کند و از این رهگذر بتواند روسیه را از صحنه سیاسی ایران خارج و هواداران خود بر مد صحنه سیاست کشور مسلط گرداند. بنابراین هدف اصلی انگلستان از نفوذ در نهضت

مشروطه، کنترل نهضت و هدایت آن به سمت مقاصد لندن بود. بدین ترتیب رفتار مزورانه انگلیسی‌ها سبب شد اوائل تابستان ۱۲۸۵ عده‌ای که تعداد آنها در عرض ۱۰ روز تا ۲۰ هزار نفر افزایش یافت، در داخل محوطه سفارت انگلیس متحصن شوند و مورد استقبال سفارت انگلیس قرار گیرند. سر «نینس رایت» سفیر انگلیس در ایران در خطرات خود در موارد متعددی به برنامه‌ریزی دولت متبوع خود برای تبدیل کردن سفارتخانه و کنسولگری‌های کشورش در ایران به «آمان» و «پناهگاه» مشروطه‌خواهان جهت پیاژه کردن مقاصد اصلی خود اشاره کرده است.<sup>(۲)</sup>

به هر روی پس از مدتی که انگلیسی‌ها به عمق امیال آزادی‌خواهانه و ملی‌گرایانه مشروطه‌خواهان بی بردند و دریافتند با پیروزی انقلاب در صحنه سیاست داخلی ایران هیچ نقشی برای آنان باقی نمی‌ماند، به مخالفت با آزادی‌خواهان پرداختند بدین ترتیب بریتانیا با همکاری سرمایه‌داران وابسته، «مینداران»، «سیاستمداران» و «خوانین» وابسته با کمک لژهای «فراماسونری»، مشروطیت را به مسیری دیگر هدایت کرد.<sup>(۳)</sup>

همچنین دولت انگلیس ۳۱ اگوست ۱۹۰۷ به عقد قراردادی با روسیه پرداخت و ایران را به ۳ قسمت تقسیم کرد. طبق این توافق قسمت شمالی ایران شامل شهرهای پرجمعیت و مراکز عمده تجاری از خط فرضی بین قزقرشیرین و اصفهان و یزد و خواف



مقاتل تند در روزنامه‌های کشور نیز موجب فسخ قرارداد نگردید. در همین زمان مارلینگ، وزیرمختار انگلیس به دولت ایران اطمینان داد استقلال و تمامیت ارضی ایران محفوظ خواهد ماند و قرارداد بین ۲ دولت فقط به منظور جلوگیری از دخالت‌های یک دولت ثالث (یعنی آلمان) در امور ایران است، ولی ایرانیان قانع نشدند و وقتی «مشیرالدوله پیرنیا» وزیر امور خارجه این اظهارنظر را در ۲۴ سپتامبر به اطلاع مجلس شورای ملی رساند، نمایندگان ملت به اتفاق آرا قرارداد منعقده بین ۲ دولت خارجی درباره ایران را مردود و بی‌اعتبار دانستند. در این‌باره محمدعلی‌شاه نیز از نظر مجلس پشتیبانی کرد و در نتیجه دولت ایران طی یادداشت دوم نوامبر ۱۹۰۷ در ولتین روسیه و انگلستان اعلام کرد چون قرارداد مزبور مابین آن ۲ دولت انعقاد یافته، لذا مواد آن فقط مربوط به خود دولتین مذکور است و دولت ایران نظر به استقلال تامه‌ای که دارد، تمام حقوق و آزادی عمل خود را محفوظ می‌دارد و خود را از هر نفوذ و اثری که قرارداد می‌تواند درباره ایران داشته باشد مطلقاً مصون و آزاد می‌داند. مع‌الوصف به‌رغم اعتراض‌های صورت‌گرفته، به علت ضعف دولت ایران، خللی در اجرای قرارداد فوق ایجاد نشد و روسیه و انگلیس به تدریج شروع به اجرای مفاد قرارداد و اشغال مناطق نفوذ خود کردند. نتیجه مستقیم این قرارداد این بود که انگلیسی‌ها که با پشتیبانی از انقلاب مشروطیت وجهه و اعتباری کسب کرده بودند، به سرعت آن را از دست داده و از این تاریخ مانند روس‌های تزاری منفور و مبعوض افکار عمومی ایران گردیدند.

- نتیجه‌گیری**

اگرچه خطر تسلط و تجاوز روزافزون استعمارگران روس و انگلیس و تهدید استقلال ایران یکی از دلایل مشهور شدن انقلاب مشروطه بود، با این حال هیچ‌گاه مشروطه‌خواهان به نیات استعماری بیگانگان پی نبردند و سرزشت نهضت را به دخالت قدرت‌های بزرگ واگذار کردند. نقطه اوج دخالت‌های بیگانه در جریان انقلاب مشروطه را می‌توان در دو مساله به توب بستن مجلس توسط محمدعلی‌شاه به یاری روس‌ها و همچنین عقد قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به مناطق تحت نفوذ دو کشور روسیه و انگلیس تقسیم کرد، مشاهده کرد. در نهایت نیز درخواست روسیه مبنی بر اخراج «مورگان شوستر» و حمایت بریتانیا از این درخواست در سال ۱۹۱۱ تیر خلاص را به انقلاب زد. بدین ترتیب اتحاد دولت‌های روسیه و انگلیس در مقابل خطر آلمان، تقسیم ایران در قرارداد ۱۹۰۷ و اشغال ایران در جنگ اول جهانی از جمله مهم‌ترین عوامل خارجی در شکست مشروطه به شمار می‌آیند. به هر روی رقابت قدرت‌های سستنی روسیه و انگلیس در ایران پس از شکست مشروطه نیز ادامه یافت به طوری که دولت‌هایی که روی کار می‌آمدند، باید تعادل را حفظ کرده و در تصمیم‌گیری‌های خود منافع این ۲ قدرت را نیز در نظر می‌گرفتند. از این‌رو طی تمام سال‌های بعد به دلیل رقابت روس و انگلیس در ایران، کلبینه‌های یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند و چنددستگی میان سران انقلاب را بیشتر نمایان می‌ساختند.

بی‌نوشته

- فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴–۱۸۶۴): پژوهش درباره امپریالیسم، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۶۴۸**
- نیکی آزدی، ریشه‌های انقلاب ایران، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰**
- انقلاب مشروطیت (از سسری مقالات دانشنامه ایرانیکا) ترجمه: پیمان متین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۸۷**
- دوم‌رکب، تهران: ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه: کریم امامی، تهران: انتشارات نشر نو، ۱۳۶۵، صص ۲۸۴ – ۲۷۲**
- شاپور رومانی، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، تهران: نشر شمع، بی‌تا، ج اول، صص ۸۹ – ۸۷**

منبع:موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

پیوسته ولی در یک نگاه کلی می‌توان رویکرد براندازی نرم را اصلی‌ترین سیاست آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی دانست. ایالات متحده در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ برنامه گسترش آزادی دموکراسی در جهان، به‌طور آشکار اعلام کرده است از جریان‌های اجتماعی منجر به دگرگونی نظام‌های سیاسی این کشورها حمایت همه‌جانبه می‌کند و حتی جهت راه‌اندازی چنین جنبش‌هایی مداخله خواهد کرد. در این باره به صورت خاص، برخورد آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در یک برهه زمانی حدوداً ۳۰ ساله مشتمل بر وقایع و صحنه‌های مختلفی از براندازی نرم بوده است. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای مبنی بر نفوذ آمریکا (مناکره با آمریکا ممنوع است. مذاکره آمریکا با ایران یعنی نفوذ می‌خواهند راه را باز کنند برای تحمیل؛ در همین مذاکرات هسته‌ای، هرچا فرصت پیدا کردند یک نفوذی کردند، حال باید به ویژگی برجسته و نقش خاص رسانه‌های نوین و فناوری‌های جدید اطلاعاتی نیز در شکل‌گیری این انقلاب‌ها و نفوذ توجه کرد. به جرأت می‌توان گفت رسانه‌ها نقش وصل‌کننده ویژگی‌های فوق‌رایه‌هدنگر داشته‌اند.(رسانه‌ها ارتباط بین احزاب، جنبش‌های دانشجوئی، بنیادهاوسازمان‌های غیردولتی و بویژه توده‌های مردم با همدیگر را تسهیل می‌کنند، مجاور بودند از اسب استفاده می‌کردند و به قول فرزند ارشدش: «این زوج هر دو سوار کاران لایقی بودند».

<b>چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۴</b>
<b>اشاره</b>
<div> <div><span>بهری از زندگی علامه طباطبایی و همسرش</span></div> <div></div> </div>

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ۱۰ سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی در این مدت ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی موفق شد آثاری را در حکمت و کلام اسلامی تدوین کند اما در اواخر این دوران از لحاظ معیشتی دچار مضیقه شد، زیرا نسبت به مصرف بیت‌المال و سهم امام حساس بود و برای اعاشه و برآوردن مایحتاج زندگی از آن استفاده نمی‌کرد و هزینه زندگی وی از محل مختصر وجهی که از محل درآمد ملکی موروثی به دست می‌آمد اداره می‌شد که از تبریز به نجف حواله می‌شد ولی به تدریج که رضاشاه قدرت بیشتری به دست آورد مانع ارسال وجوه به خراج کشور شد و دیگر مبلغی به دست استاد علامه نرسید.

ایشان علاوه بر پیشه کردن قناعت کامل و به معرض فروش نهادن برخی اثاث‌های منزل، دست به استقراض زد و پیوسته در انتظار رسیدن پول از ایران بود اما این انتظار به جایی نرسید و تدریجا امکانات مالی این خانواده به تحلیل می‌رفت و روز به روز دچار تنگناهای اقتصادی می‌شدند و همسر و طفلی ۳ ساله وضع نامطلوب و نااوری را سببری می‌کردند. در این بحران ناراحت‌کننده ناگاهان به طور غیرمنتظره‌ای وجهی از ایران رسید. علامه با این مبلغ در اولین وهله بهدکاری‌های خود را پرداخته و پس از ادای دین تصمیم به مراجعت از نجف گرفت. «سیدعبالباقی» در نوشتاری، اظهار داشته که مرحوم ابوی به بنده فرمودند: آخرین ریال آن پول دقیقاً صرف آخرین نیازهای سفر ما از نجف به تبریز شده و وقتی به موطن خویش رسیدیم، حتی دیناری از آن وجه، باقی نمانده بود و آن مقدار پول برای این نیاز واقعی در نظر گرفته شده بود.

هنگامی که این خانواده به تبریز رسیدند، اگرچه به لحاظ رسیدن به وطن و تجدید دیدار با بستگان و بهبودی اوضاع اقتصادی در وضع مطلوبی قرار گرفتند ولی همسر علامه از لحاظ معنوی و به خاطر قطع ارتباطی که با عتبات مقدسه داشت محزون به نظر می‌رسید. علامه طباطبایی فرموده است: عیال ما که زن بسیار مؤمن و بزرگواری بود و در معیت ایشان برای تحصیل به نجف اشرف مشرف شدیم، ایام عاشورا برای زیارت به کربلا می‌آمدیم و پس از پایان این مدت، چون به تبریز مراجعت کردیم روز عاشورایی در منزل نشست و مشغول خواندن زیارت عاشورا بود، می‌گوید ناگاهان دم شکست و با خود نجوا کردم: «۱۰ سال در کنار مرقد مطهر حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در روز عاشورا بودیم و امروز از چنین فیض عظمایی محروم شدیم. حین مرتبه دیدم در حرم مطهر حضرت امام حسین(ع) در زویه حرم بین بالاسر و روبه‌رو ایستادم و رو به مرقد مطهر می‌خواندم زیارت هستم و مشخصات بارگاه سالار شهیدان همچون گذشته بود ولی چون روز عاشورا بود و مردم غالباً برای تماشای دسته‌های عزادار و سینه‌زن می‌رفتند تعداد زائران کم بود و تنها در پایین پای مبارک، مقابل قبر سایر شهدا چند نفری ایستاده بودند و برخی از خادم برای آنان زیارت می‌خواندند. چون به خود آمدم دیدم در خانه خود نشست و در همان محل (در خانه تبریز) مشغول خواندن بقیه زیارت عاشورا هستم

ناگفته نماند که این خانواده در تبریز به منزلی واقع در جوار خانه همان شخصی که اسور ملک و اموال علامه و برادرش را عهده‌دار بود راهنمایی شدند و پس از چند ماه توقف، خانهای در کوجه مجتهد تبریز اجاره کرده و بدان نقل مکان یافتند. از خانه پدری خبری و اثری نبود تا این مسافران در آن اسکان یابند. بعد از مدتی استراحت، دید و بازدید، صلح ارحام و سپری شدن فصل سرما، علامه طباطبایی به منظور بازدید از زمین‌های زراعی عازم روستای «شادآباد» شد که مشاهده کرد قنات‌ها نیمه‌خشک و زمین‌ها سخت و متروک شده و زراعت کم رونق شده و درآمد هم آسیب پذیرفته است و ناگوارتر از این وضع به دستور رضاخان خائن برای همه املاک سند زده شده و املاک موروثی این دو برادر (علامه و سیدمحمدحسن الهی) به نام شخص دیگری ثبت شده و سند صادر شده بود.

علامه با تحمل مشقات زیاد و صرف هزینه و وقت بسیار به استرداد املاک موفق شده و چند سالی از عمر خود را در جهت احیای زمین‌های زراعتی و اصلاح باغات سپری می‌کند و در این دوران که ایشان حتی در فصل سرما و حین ریزش باران و برف، مدام در حال تلاش بودند همسرشان با مرحوم علامه همکاری می‌کرد. معمولاً علامه و همسرش در سفرهای بین روستایی و نیز برای دید و بازدید اقوام و میهمانی بین خوششان که ساکن نقاط مجاور بودند از اسب استفاده می‌کردند و به قول فرزند ارشدش: «این زوج هر دو سوار کاران لایقی بودند».